

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۶

فصل نامه علمی - تخصصی پژوهش های مهدوی
سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲

مراتب انتظار و ارتباط آن با درجات حب ذات

محمد نجفی*

فاطمه هاشمی**

حسین رجایی راد***

چکیده

انتظار منجی موعود، امری وجودی و لذا تشکیک پذیر است. این نوشتار با هدف بررسی مراتب انتظار به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از مدارک کتابخانه ای نگاشته شده است. مراتب انتظار از ابعاد گوناگون قابل بررسی است؛ اما این نوشتار با توجه به بنیادی بودن موضوع محبت، با تمرکز بر این محور، مراتب انتظار را بازشناسی می کند. در طول مطالعات روشن شد که انتظار در حقیقت از حب ذات سرچشمه می گیرد و در پایین ترین سطح خود شامل نیازهای مادی و علمی و معنوی فردی است. در سطحی بالاتر، انتظار به سبب علاقه به دیگران و رفع نیازهای مادی و معنوی خانواده، بستگان، هم نوعان و دیگر اجزای جهان هستی ظهور می کند. اما آن گاه که محبت از سطح شخصی و طبیعی فراتر رفت و معیار محبت، حب الهی شد، آدمی از تمام خواسته های مادی و معنوی و عقلانی و اخروی پا فراتر نهاده، فانی در اراده الهی و مظهر و مجلای اسماء الهی می شود و در این میان، خودی جز خود الهی و ربانی نمی بیند و برای تجلی اراده الهی، سابق و سارع می شود. این همان انتظاری است که اجر شهادت در رکاب حضرت رسول ﷺ را دارد.

واژگان کلیدی

انتظار، حب ذات، مراتب انتظار.

* استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

** دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت (taha313110313@gmail.com).

*** مهندس مکانیک.

مقدمه

نگاهی به روایات مربوط به انتظار و پاداش‌های عظیم مربوط به این عمل از یک سو و مشاهده حالات برخی - به ظاهر - منتظران در دوران غیبت از سوی دیگر، این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا این همه پاداش برای چنین انتظاری است که حتی در درون شخص نیز نتوانسته تحولی ایجاد کند، چه رسد به تحول آفرینی در اجتماع؟! با قدری باریک‌بینی درمی‌یابیم که انتظار مراتبی دارد و آن چه در روایات وارد شده باید بر اساس درجات انتظار و کمال یافتگی آن باشد.

با نگاهی اجمالی به تاریخ بشر روشن می‌شود که انتظار، امری فطری و وجودی است، نه امری ایجادیه؛ یعنی نیازی نیست که انتظار در درون افراد ایجاد شود، بلکه انتظار همراه انسان و در درون او موجود است و تنها باید شناخته و پرورده شده، در راه درست هدایت شود. شاید ریشه انتظار درونی، به نیاز انسان برای همراهی با واسطه‌های الهی مربوط می‌شود؛ زیرا همه ابنای بشر پیش از ورود به این جهان شلوغ و سرشار از سرگرمی‌ها و اشتغالات مادی و معنوی گوناگون، در برابر پروردگار خود پیمان بسته‌اند که جز او را نپرستند و همواره همراه و تابع مظاهر اسماء الهی باشند. از این رو انگیزه خداجویی انسان در درون خود، انتظار را نیز به همراه دارد و از آن جا که انتظار امری وجودی است، تشکیک‌پذیر و دارای مراتب است و چون امری وجودی است، مهم‌ترین گام برای حرکت در مسیر بلند انتظار، خودشناسی و تعریف خویشتن است؛ زیرا هرکس بر اساس تعریفی که از خود دارد اهداف و آرمان‌های خویش را تعیین می‌کند.

حقیقت این است که غیبت، عاملی برای تنبه و بیداری انسان‌هاست؛ چرا که حتی آن هنگام که حجت خدا در میان مردم آشکارا حضور داشت، در حقیقت ناشناخته و نامشهود بود؛ زیرا امام معصوم و حجت خدا را با چشم دل باید دید و حقیقت او را شناخت و پیروی کرد. در چنین شرایطی خداوند برای بیداری انسان‌ها و فرستادنشان در پی حقیقت، غیبت امام عصر علیه السلام را مقدر فرمود تا انسان به خود آید و متوجه شود که امام را نمی‌بیند و نمی‌شناسد. روشن است که غیبت امام، امری معرفتی و شخصیتی است؛ چرا که اولاً امام، مظهر تمام اسماء الهی است، لذا هم حاضر و هم ظاهر است؛ ثانیاً در احادیث متعددی اشاره شده که امام مهدی علیه السلام در میان مردم حضور دارد:

يَقْدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ فَيَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ. (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۲۴)

بنابراین غیبت امام به معنای زندگی ایشان در جهانی ماورا نیست و غیبت و محرومیت ناشی از آن، نتیجه غفلت بیننده است نه عدم حضور و ظهور دیدنی آن حضرت که برآمده از پایین بودن سطح معرفتی مردم است. از این رو درمی یابیم غیبت با وجود تمام دشواری هایش، اگر به شکوفایی انتظار فطری بینجامد، دارای بلندترین اهداف تربیتی است و موجب رشد و ارتقای انسان می شود؛ اما این رشد باید درونی باشد تا انسان بتواند پرده های غفلت و غیبت را کنار زده، ظهور امام را درک کند. از آن جا که حب ذات از قوی ترین نیروهای وجودی انسان است و انسان همواره طالب نفع خویش بوده و هر عملی که از او سر می زند بر اساس نفع طلبی و علاقه مندی او به خویشتن است، لذا انتظار - که دشوارترین و ارجمندترین عمل انسانی است - از این قاعده به دور نیست؛ به ویژه از آن رو که از جمله عناصر و مؤلفه های تعیین کننده انتظار، عنصر محبت است. اما روشن است که درجات حب ذات نیز بر اساس درجات خودآگاهی و خویشتن شناسی افراد رتبه بندی می شود؛ لذا این مقاله بر آن است تا ارتباط مراتب انتظار و درجات خودشناسی و حب ذات را بررسی کند.

مراتب انتظار

عشق و محبت از عناصر اصلی انتظار به شمار می رود. در حقیقت، عامل ایجاد انتظار، شوق و محبت نسبت به موضوع مورد انتظار است که خود از حب ذات ناشی می شود، اما عشق و محبت انسانی، امری ثابت و ساکن نیست، بلکه دارای سیری تحولی و تکاملی است؛ سیری هدفمند که مقصدش همان مبدأ آن یعنی سیرالی الله است. در این جا مراتب انتظار و ارتباط آن با درجات معرفت و محبت انسان نسبت به خویشتن را بررسی می کنیم.

۱. انتظار فرج با انگیزه عشق به خود

عشق به خود از سرمایه ها و ویژگی های ذاتی و تکوینی هر انسان است. این عشق، سرمایه ای بزرگ است که اگر به درستی درک، هدایت و ساماندهی شود و در مسیر تکامل قرار گیرد، همه مسیر کمال را با پتانسیل و نیروی همین عشق به خویشتن، می توان طی کرد. حب ذات، اصیل ترین غریزه آدمی است که نیرومندترین محرک زندگی آدمیان به شمار می رود. اگر این حب ذات از آغاز زندگی در محیط مناسب به وسیله تعلیم و تربیت های سازنده توجیه شود، نه تنها به صورت نیروی محرک زندگی معقول یک فرد درمی آید، بلکه حتی می تواند در اصلاح و توجیه منطقی یک جامعه مؤثر واقع گردد (جعفری، ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۴۶). اما اگر این

عشق در همان منزل اول توقف کند، تنها در حیطه نفس، دنیا، هوس و در یک معنا، در بعد حیوانی انسان عمل خواهد کرد. عشق حیوانی در وجود انسان، تابع غرایز اوست و آن شیء که غریزه را اشباع و ارضا کند محبوب عشق حیوانی او می‌شود (میرزایی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۲۶۱). شعاع این عشق حیوانی بسیار تنگ است و انسان نمی‌تواند از محدوده جسم و نیازهای جسمی یا برتری جویی‌های شخصی‌رهایی یابد. حب ذات، غریزه‌ای است که فراگیرتر و مقدم‌تر از آن شناخته نشده است و همه غرایز دیگر از شاخه‌ها و شعبه‌های این غریزه هستند و علت آن، وجود ویژگی غریزه زندگی است. حب انسان به ذات خود - یعنی دوست داشتن لذت و سعادت ذات خویش و تنفر از درد و شقاوت - همان انگیزه‌ای است که انسان را به سمت کسب معیشت و فراهم کردن نیازهای غذایی و مادی برمی‌انگیزد. از این رو واقعیت حقیقی و طبیعی - که در پس تمام زندگی انسانی پنهان شده و در آن نقش‌آفرینی می‌کند - همان حب ذات است (صدر، ۱۴۰۱: ۳۶-۳۷). همه تلاش‌های انسان، در حب ذات او ریشه دارند و برآمده از عشق انسان به خویش‌تند. این امر از حرص و هلع ذاتی انسان ناشی می‌شود:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾. (معارج: ۱۹)

خداوند در قرآن کریم بارها از ویژگی نفع‌طلبی انسان برای تشویق او به سمت هدایت و سعادت بهره گرفته است:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيفٍ﴾. (انعام: ۱۰۴)

﴿وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾. (فاطر: ۱۸)

انتظار فرج موعود با انگیزه عشق به خویش‌تن، نخستین گام در سیر تکاملی انتظار است؛ زیرا بنابر روایات، دوران طلایی ظهور، دورانی است که نعمت‌ها فراوان می‌شود و زمین و آسمان تمام مکنونات خود را برای رفاه انسان‌ها پرورش داده و ظاهر می‌کنند، مشکلات و بیماری‌ها از زندگی انسان برطرف می‌شود و تمام انسان‌ها در آسایش مادی و آرامش روانی قرار می‌گیرند. در این مرحله، انسان خود را به صورت خود جسمی و اجتماعی تصور می‌کند؛ از این رو خواسته‌های او نیز متوجه پرورش خود جسمی و اجتماعی است. خود این مرحله نیز دارای درجاتی است:

الف) انتظار برای رفاه مادی و گشایش در امور زندگی شخصی: نازل‌ترین سطح انتظار امام

زمان وَمِنْهَا انتظار برای وسعت و گشایش در امور زندگی خود است؛ یعنی انسان فراتر از خود پا ننهاد و نهایت خواسته اش، رسیدن به رفاه مادی مورد انتظار در دوران ظهور است. البته خود این امر، دو وجه دارد؛ اگر برای برخی افراد همان شرایط رفاه مادی بدون ظهور در زمان حال نیز فراهم شود راضی اند و منتظر ظهور نمی مانند. غرض و هدف برخی، مجرد رسیدن به نعمت های الهی و وسعت در امور زندگی و رفع شداید و سختی هاست، به گونه ای که اگر در همین حال از برای او این جهات اصلاح شود - یعنی خداوند به او در نعمت های خود وسعت عطا فرماید و سختی ها و بلاها را از او دفع کند - آن حال اشتیاق از او زایل می شود و به کلی از ذکر آن حضرت و از یاد فرج و ظهور ایشان غافل می گردد. اگر چنین باشد، به کلی از عنوان خلوص خارج خواهد شد و به فضیلت انتظار فرج فائز نخواهد گردید و در این انتظار، از اهل دنیا خواهد بود (فقیه ایمانی، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۵). اما برای برخی، این لذت ها و رفاهیات از این لحاظ اشتیاق آور است که گشایش و وسعت در نعمت های مادی و رفع بلا و غم ها به سبب ظهور امام زمان رخ می دهد. این مورد اخیر پسندیده تر است.

ب) انتظار به سبب گشایش ابواب علم و فراهم شدن زمینه های عبادت: در این درجه، انسان، قدری از خود جسمی فراتر می رود و به دنبال پرورش خود اجتماعی و معنوی است، اما همچنان در محدوده خود قرار دارد؛ چراکه به دنبال فراهم شدن امکانات علمی و عبادی و تسهیل شرایط برای خود است و اصل غرض او از انتظار، برخورداری بیشتر خود از علوم و معارف است؛ زیرا علوم و معارف در زمان ظهور، به حد کمال می رسند، به طوری که زنان در خانه های خود به احکام دین، به درجه علما، عارف و عالم می شوند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۹). از سویی در دعای عهد آمده است:

اللَّهُمَّ ... مُجِدِّدًا لِمَا عَظِلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُسَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ ﷺ

علوم قرآنی، احکام الهی و سیره نبوی، در دوران ظهور احیا و تجدید می شوند. از سویی در دوران ظهور، ابلیس و اتباع او نابود می شوند؛ از این رو امکان کسب معارف دینی و انجام عبادت کاملاً فراهم می شود. بنابراین یکی از مراتب انتظار، آرزومندی برای ظهور به سبب گشایش در امور علمی و عبادی است. هرچند این درجه نسبت به درجه پیشین تکامل یافته تر است، اما همچنان به تکامل نیاز دارد تا از دایره خودیت رها شود.

ج) انتظار برای پاداش اخروی: درجه بالاتر انتظار برای اغراض شخصی، به افرادی مربوط

می‌شود که بیش از آن که به دنبال رفاه دنیوی باشند متوجه حیات اخروی هستند و انتظار برای فرج و تشکیل حکومت مهدوی را برای پاداش‌های اخروی بر خود برگزیده‌اند؛ زیرا بر اساس روایات، برای منتظران در نزد خدای متعال پاداش‌های اخروی بسیاری وجود دارد. این مرتبه در مقایسه با درجات پیشین پسندیده‌تر است؛ چرا که دیدگاه چنین منتظری تا افق لایتنای حیات اخروی گسترده شده، اما از آن رو که هنوز خود فرد مطرح است، به توسعه و تکامل نیاز دارد.

در این مرحله خود انسان محور است و این خود دوستی، گرایشی به سمت خودخواهی و خودگرایی دارد و انسان از زوایه‌ای تنگ به عالم نگاه می‌کند. او در آن زاویه تابشی جز خود نمی‌بیند. البته انسان همواره دنبال منفعت و حریص بر خیر و نفع خویش است این حرص ذاتی و خدادادی انسان نه تنها مذموم نیست، بلکه مفید و مطلوب است، به شرط آن که انسان بتواند از این حرص به خیر، به عنوان پتانسیلی قوی برای سیر به سمت کمال، بهره جوید و این میسر نمی‌شود، مگر آن گاه که انسان به دنبال کسب معرفت در شناسایی خیر و نفع حقیقی خویش باشد و دامنه محبت خود را وسعت بخشد. برای آغاز یک حرکت صحیح، انسان نیازمند است آگاهی ارادی و محبت خود را متوجه اطرافیان نماید و از دریچه تازه‌ای به خود بنگرد و عشق ورزد؛ چرا که آگاهی به خود، از آگاهی به غیر خود برمی‌خیزد.

۲. انتظار با انگیزه عشق به دیگران

در این مرحله، انسان از دایره تنگ خودخواهی خود، گام بیرون می‌گذارد و عواطف خویش را وسعت می‌بخشد. عشق به دیگران، بخشی از خودشناسی انسان به شمار می‌آید؛ چرا که سبب آشنایی فرد با دنیای عواطف و احساسات خویش و همچنین رشد و تکمیل ساختار عاطفی او می‌شود. رشد احساس همدردی و همدلی، مهم‌ترین مظاهر خود عاطفی فرد است (شمشیری، ۱۳۸۵: ۱۳۸). البته در این مرحله نیز حب ذات انسان با او همراه است، ولی دایره آن وسعت بیشتری یافته و اگر انسان، دیگران را دوست می‌دارد به دلیل احساس قرابتی است که نسبت به آنان پیدا می‌کند. فاعل همیشه برای کمال خویش کار انجام می‌دهد و مقصود اصلی در همه افعالی که از فاعل صدور می‌یابد خود فاعل است. حتی کسی که به انسان درمانده‌ای نیکی می‌کند تا او را شادمان سازد در واقع، به دنبال کمال و نفع خویش است؛ زیرا با دیدن احوال ناگوار آن مسکین، اندوهگین و غمناک می‌شود و با احسان خود در واقع می‌خواهد آن غم و اندوه را از خود برطرف سازد (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۸۳). این مرحله از انتظار

نیز دارای منزلگاه‌هایی است که عبارتند از:

الف) انتظار برای رفع گرفتاری و آسایش اطرافیان

در این مرحله برای دست‌یابی انسان به هویت اجتماعی، در سوگیری عاطفی او چرخشی رخ می‌دهد و همین رشد عاطفی سبب می‌شود او با کسانی که در اطرافش زندگی می‌کنند یا نسبتی با او دارند احساس همدلی کند و فرج و گشایش در امور زندگی آنان را خواستار شود. در این مرحله ممکن است تمام تلاش انسان و آرزومندی او برای خویشاوندان و دیگران به زندگی ظاهری‌اش ختم شود. مثلاً والدین به جای احساس تکلیف در تربیت فرزند و جدیت در این امر، تنها به رضایت و خوشی و لذت محدود و مقطعی فرزند نظر داشته باشند و این یعنی هنوز خروج از دایره خودخواهی‌ها اتفاق نیفتاده و تنها عناصر جدیدی به منطقه خودخواهی انسان افزوده شده است.

ب) انتظار فرج برای تمام انسان‌ها

همدردی - یا به عبارت بهتر، هم‌تأثری، یعنی شاد شدن از شادی دیگران و رنج بردن از رنج دیگران - آن‌گاه ارزشمند است که تنها به خویشان و نزدیکان محدود نگردد، بلکه حتی کسانی که هیچ نسبتی با ما ندارند و حتی افرادی که از حضور آنان در جهان هیچ آگاهی نداریم را دربر گیرد؛ این گستره محبتی ضمن این که نشان تعادل روحی فرد است، نقشی بسیار مهم در بازدارندگی از ظلم و ستم و برانگیختن حساسیت افراد در مورد پیامدهای عملکردشان دارد. از آن‌جا که انسان دارای وجدان است، غالباً با دیدن ناراحتی دیگران دچار غم و اندوه می‌شود و دوست دارد برای رفع مشکل آنان کاری انجام دهد، ولی به علت وسعت و تعدد مشکلات هم‌نوعان، معمولاً در حل مشکلات احساس ناتوانی کرده به سبب محبت نسبت به هم‌نوعان، برای گشایش و وسعت در زندگی آنان مشتاق ظهور می‌شود. در این مرحله، انسان به درجه‌ای از رشد عاطفی رسیده است که انسان‌های دیگر را دوست دارد و از نوعی احساس و عاطفه مشترکی برخوردار می‌شود. این احساس مشترک، او را تا جایی پیش می‌برد که وجدان آگاه و بیدارش از دیدن شرایط سخت زندگی هر کس دیگر به درد می‌آید و تحمل ستم حاکم بر این‌بشر را ندارد.

برخی اعتقاد دارند که ظهور امام زمان علیه السلام برای همگان فرج نیست و ملحدان و ستمگران و گردن‌کشان، در ظهور آن حضرت فرج و بهره‌ای نخواهند داشت. اگر به عبارت «أَخِي بِه عِبَادَكَ» در دعای عهد دقت شود، کلمه «عبادک» را از دو منظر می‌توان مورد توجه قرار داد: اگر

منظور از عباد، بندگان صالح خدا باشند، کلمه «احی» به معنای حیات سیاسی و اجتماعی برای مؤمنان و مستضعفانی است که در اوج شایستگی، حقشان غصب شده یا شیعیان تحت ظلم ستمگران هستند که با ظهور امام زمان علیه السلام به حیات طیبیه و امنیت و آسایش می‌رسند؛ اما از سوی دیگر در دعای عهد می‌خوانیم: «الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ؛ مرگ برای تمام آفریدگان مطرح است، نه فقط برای مؤمنان». از این عبارت می‌توان دریافت که عباد به مفهوم تمام انسان‌هاست و ظهور امام برای همه آنان حیات بخش است؛ چرا که حیات دارای مراتبی است که ظهور امام باعث ارتقای آن می‌شود؛ همچنان که در روایات آمده است که گروهی از ملحدان در روزگار ظهور، پس از رویارویی با حقیقت حیات بخش دین توحیدی، به یگانه پرستی روی آورده و در کنار امام زمان قرار می‌گیرند و به او ایمان می‌آورند و از طرفی ستمگران و گمراهانی که به دلیل تیرگی‌های روحی نمی‌توانند هدایت الهی امام را بپذیرا باشند با تیغ انتقام امام حیات پیدا می‌کنند؛ چرا که زندگی تبهکاران در این جهان در حقیقت مرگ و نابودی است و آنان با کشته شدن به دست امام زمان علیه السلام به زندگی حقیقی و رهایی از اسارت نفس اماره دست می‌یابند و حداقل فرجی که برای آنان در این میان وجود دارد گرفته شدن فرصت گناه و تباهی و فساد بیشتر، از آنان است.

حتی شمشیر امام که مرگ را برای ملحدان معاند به ارمغان می‌آورد، ریشه در محبت امام نسبت به انسان‌ها دارد. امام از گناه بیزار است، اما حتی بندگان گنهکار را نیز دوست دارد؛ اما تنها راه نجات برخی از آنان این است که با مرگ از گناه جدا شوند تا هم خودشان و هم انسان‌های دیگری که در زیر ستم آنانند رهایی یابند. عبارت «وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ» نیز مؤید همین مطلب است؛ زیرا ممکن است بسیاری از مظلومان اعتقادات الهی نداشته باشند یا مظلومان ظلم خویشان باشند. از این رو ظهور برای همگان فرج است، اما همه منتظر ظهور نیستند.

ج) انتظار فرج برای همه موجودات

در این مرحله، انسان به درجه‌ای از رشد می‌رسد که بین خود و تمام اجزای هستی، نوعی پیوند احساس می‌کند و این احساس یگانگی با هستی و انفکاک ناپذیری از آن، سبب می‌شود انسان آرزومند کمال همه موجودات باشد. در نتیجه، انگیزه او برای انتظار، محبت به تمام هستی است؛ زیرا بنابر روایات، وسعت و گشایش و بلوغ و کمال در زندگی حیوانات و نباتات با ظهور، رخ می‌نماید و در کل هستی تحولاتی عظیم و مثبت رخ می‌دهد و انوار ظهور، آن‌ها را

نیز دربر خواهد گرفت. روشن است که ظهور امام زمان علیه السلام برای تمام هستی گشایش به ارمغان خواهد آورد. از این رو افزون بر بشر، دیگر عناصر و ارکان هستی نیز در دوران نورانی ظهور به شکوفایی و کمال خواهند رسید.

ارج انتظار به کرامت منتظر است و حرمت ترقب، به تأثیر مترقب؛ چون قلمرو تأثیر ولی عصر علیه السلام اعم از معارف بود و نبود و مسائل باید و نباید است و منطقه وساطت وی - اعم از انسان و غیر انسان - و نصاب توانمندی او در این است؛ گستره به ظلم و جور آلوده زمین را به پهنه پاک قسط و عدل، بدل می کند و جهنم سوزان نظام سلطه را - که مایه پر شدن عرصه حیات بشر از غبار ستم و دود طغیان است - با دست انتقام الهی خاموش و آرمان شهر بهشت گونه را - که لبریز از برابری و برادری و میانه روی است - تأسیس می نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

بنابراین با توجه به این که قلمرو تأثیر حضرت حجت علیه السلام تمام هستی است، انتظار هر منتظر مؤمن باید انتظاری کلی باشد که تمام موجودات عالم را دربر گیرد. وساطت حضرت ولی عصر در عالم وجود، پیوسته و شامل تکوین و تشریع است. از این رو همگان - اعم از انسان و غیر انسان - در دوران نورانی ظهور به هدف غایی خلقت خویش می رسند. کمال طبیعت و زمین در آن است که انسان های صالح و شایسته را در دامن خویش پیورود و به واسطه وجود آن ها به سمت مقصد و منتهای هستی که خداست، سیر کند؛ اما متأسفانه آدمی با خودخواهی ها و خودمحوری های خود و دخالت نادرست در طبیعت و برخورد ابزارگونه با طبیعت و جهان هستی، در آن فساد و تباهی ایجاد می کند؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (روم: ۴۱)

بر این اساس، در این مرتبه از انتظار، روح انسان چنان لطافت و رقتی می یابد که از نابودی طبیعت نیز متأثر می شود. بنابراین انگیزه او از محدوده هم تأثیری با هم نوعان فراتر رفته و تمام مخلوقات الهی را دربر می گیرد و انسان، آرزومند رفع نقصان و فساد از دریا و خشکی، هوا و فضا و... می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

او زمین را همچنان که آکنده از ستم و بیداد شده، از عدل و داد پر می کند؛ آسمان از ریختن نزولاتش و زمین از رویانیدن گیاهانش هیچ دریغ نمی ورزد. (محمدی ری شهری،

در دعای عهد نیز آمده است:

خدایا با او سرزمین هایت را آباد کن و بندگان را زندگانی [حقیقی] ببخش. (قمی، ۱۳۶۹: ۹۰۴)

عشق بی دریغ به تمام مخلوقات، از ویژگی های وجودی افراد رشد یافته است. انتظار ناشی از این عشق، انسان را آماده ورود و صعود به مرحله بالاتر می کند. در این مرحله، انسان آماده شناسایی حقیقت خود است؛ چرا که توانسته است از گوناگونی ها گذشته و همه عالم را مانند یک کل ارگانیک بنگرد.

۳. انتظار با انگیزه حب الهی

در این مرحله، معیار و ملاک آرزومندی، ارزش های الهی است و انسان از پیوندهای نوعی و طبیعی فراتر رفته، همه عالم را مظهر یک حقیقت می بیند؛ از این رو ملاک علاقه و آرزومندی خود را محبت الهی قرار می دهد. در نتیجه، به محبان خدا علاقه و محبت بیشتری پیدا می کند. این مرحله نیز دارای مراتب و درجاتی است که برخی از درجات آن به نوعی با مرتبه قبل - یعنی عشق به دیگران - نیز مرتبط است.

الف) انتظار فرج برای مؤمنان

این مرتبه از انتظار، انتظار برای رفع مشکلات از جامعه ایمانی و احاد مؤمنان و موحدان است؛ یعنی انتظار فرج امام زمان (عج) برای برطرف شدن مصائب و مشکلات مادی و معنوی و دینی و دنیوی که مؤمنان را احاطه کرده است؛ زیرا در دوران غیبت آن حضرت، مؤمنان - به خصوص شیعیان - دچار مظلومیت شده و در نوعی سرگردانی و بی سامانی قرار گرفته اند. در دعای عهد آمده است:

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ؛ (قمی، ۱۳۶۹: دعای عهد)

خدایا غم و اندوه دوری آن بزرگوار را به ظهورش از قلوب این امت برطرف گردان و برای آرامش دل های ما، در ظهورش تعجیل فرما!

تفاوت این مرحله با مرحله انتظار برای تمام انسان ها در معیار پیوند عاطفی و موضوع مسائل و مشکلات - یعنی گرفتاری ها و حرمان های معنوی و ایمانی - است.

ب) انتظار فرج برای انبیا و اولیا و فرشتگان الهی

در این مرحله انسان به درجه‌ای از کمال عاطفی می‌رسد که مرزهای تاریخی را نیز پشت سر می‌گذارد و نه تنها از مشکلات مؤمنان هم عصر خود دچار رنج و ناراحتی می‌شود، بلکه مشتاق به ثمر رسیدن زحمات همه اولیا و انبیای الهی است؛ چرا که انبیای الهی به دلایلی گوناگون از جمله جهالت مردم عصر خود نتوانستند آن گونه که اشتیاق داشتند رسالت عظیم هدایت بشری را به انجام رسانند. از این رو آنان نیز چشم به راه موعود منتظر بودند تا به دست او، رسالت آنان تکمیل شده و به سرانجام برسد. در دعای ندبه آمده است: «کجاست آن کسی که انتقام خون پیامبران و فرزندان آن‌ها را می‌گیرد؟» بنابراین ظهور حضرت مهدی و عالم‌گستر شدن مکتب توحیدی، فرج و گشایش امور انبیا و اولیای الهی است. از سویی فرشتگان الهی نیز به دلیل غصه‌های انبیا - به ویژه خاندان حضرت رسول اکرم ﷺ و به خصوص امام حسین علیه السلام - بسیار غمگین و گریان شدند و منتظر روزی هستند که قائم، انتقام خون آنان را بگیرد و زمین را از لوث وجود فاسدان پاک سازد. از این رو درجه بالاتر انتظار، انتظار برای گشایش امور انبیا و فرشتگان الهی است.

ج) انتظار برای سرور حضرت رسول ﷺ و گشایش در امور آل محمد علیهم السلام

از عبارت «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه» روشن می‌شود که ظهور امام زمان، فرج و گشایش امر حضرت رسول و ائمه طاهرين علیهم السلام است. بر اساس آیه «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)، با ظهور امام زمان علیه السلام مستضعفان وارثان زمین خواهند شد و مستضعفان واقعی، کسانی هستند که در اوج شایستگی، حقشان تضییع و غصب شده است. بنابراین ائمه معصوم، مستضعفان واقعی هستند و ظهور امام زمان بازگردانده شدن حقوق حقه به خاندان حضرت رسول ﷺ به شمار می‌رود. از سویی پیامبر ﷺ آرزومند دیدار آقا امام زمان علیه السلام نیز بودند؛ پس درجه بالاتر انتظار، انتظار برای شادی دل حضرت رسول و گشایش امور خاندان آن حضرت است. در دعای عهد آمده است:

خداوندا، پیامبرت و پیروان او را به دیدارش شادمان کن و پس از او به بیچاگرگی ما رحم کن! خداوندا، با ظهورش این گرفتاری را از این امت برطرف نما!

در این مرحله فرد به درجه‌ای از بلوغ عاطفی و ایمانی رسیده است که قرابتی عمیق بین خود و انسان کامل به ویژه حضرت رسول اکرم احساس می‌کند و انگیزه او برای انتظار و

اشتیاق ظهور، خرسندی حضرات معصومین علیهم‌السلام و اتمام مصائب و مشکلات ائمه هدی علیهم‌السلام به ویژه امام زمان علیه‌السلام است؛ زیرا روشن است که با توجه به مراتب وجودی امام زمان - که بالاترین درجه انسانیت و کمال انسانی به شمار می‌رود و به سبب اشرافی که بر عالم دارند، میزان آگاهی و ادراک ایشان از مسائل و مشکلات، بیش از همه است و بزرگ‌ترین مصائب و اندوه‌ها را تحمل می‌کنند - خود ایشان، منتظرترین فرد برای امر فرج و ظهور هستند. از بالاترین درجات محبت، حب و محبت عمیق و احساس پیوند با امام زمان علیه‌السلام است که نزدیک‌ترین درجه به مقام فنا در محبت الهی و تسلیم و رضا در برابر خواست خداست. از این رو شایسته است انسان برای شادی و سرور دل ایشان - که با برپایی حکومت توحیدی و اجرای عدالت در جان و جهان حاصل می‌شود - منتظر طلوع حکومت مهدوی باشد.

د، انتظار برای ظهور اراده الهی

اگر انسان در مراحل قبلی به طور کامل موفق شود، به سرمنزل سلوک عاطفی - که حب الهی است - نایل می‌شود. البته این مرحله گرچه سرمنزل مقصود است، اما نهایی ندارد؛ چرا که محبوب بی‌منتهاست. پس بالاترین و خالص‌ترین مرتبه انتظار، اشتیاق به فرج امام زمان علیه‌السلام برای ظهور امر الهی است. در زیارت امام زمان در روز جمعه آمده است:

وَ أَنتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ؛ (قمی، ۱۳۶۹: ۱۰۶)

به انتظار ظهور تو و ظهور سلطنت حق به دست قدرت تو هستم.

یعنی انسان بدون توجه و چشم‌داشت به منافع مادی و معنوی فرج برای خود و اطرافیانش، از آن جهت منتظر ظهور باشد که در دوران حکومت عدل مهدوی، غلبه حق بر باطل صورت می‌گیرد، امر الهی تجلی کامل می‌یابد و حقوق انبیا، اولیا، مستضعفان و صالحان به آنان بازگردانده می‌شود.

در روایتی می‌خوانیم:

عمار ساباطی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا عبادت با امام مستتر در دولت باطل افضل است یا عبادت در ظهور و دولت حق به همراه امام ظاهر؟ فرمود: ... عبادت شما در نهان به همراه امام مستتر در دولت باطل بهتر است. ... گفتم: فدای شما شوم! اگر چنین است دیگر آرزومند نیستیم که از اصحاب امام قائم در دولت حق باشیم؛ زیرا امروز در امامت شما و طاعت شما هستیم و اعمال ما از اعمال اصحاب دولت حق افضل است. فرمود: سبحان الله! آیا دوست نمی‌دارید که خدای تعالی عدل و حق را در بلاد آشکار کند

و حال عموم بندگان را نیکو گرداند و وحدت و الفت بین قلوب پیریشان و پراکنده برقرار کند و در زمین، خدای تعالی معصیت نشود و حدود الهی در میان خلق اقامه گردد و خداوند، حق را به اهلش برگرداند و آن‌ها آن را غالب گردانند تا به غایتی که هیچ حقی از ترس خلقی مخفی نماند؛ ای عمار، به خدا سوگند هریک از شما بر این حال بمیرد نزد خداوند از شهدای بدر و احد برتر خواهد بود؛ پس مژده باد بر شما! (صدوق، ۱۳۸۶: ج ۲، ۵۴۸-۵۵۰)

این درجه از انتظار دربر دارنده همه فضایل مراتب پیشین است. اصحاب مهدی علیهم‌السلام کسانی هستند که آن بزرگوار را برای آن چه خدا می‌خواهد خواسته‌اند؛ خواه برای دنیای آنان سودمند باشد، خواه زیانبخش؛ در هر حال تابع مشیت الهی هستند (ابن طاووس، ۱۳۸۸: ۲۶۰). از این رو در بالاترین درجه خلوص، انتظار برای تجلی امر الهی و گسترش توحید و یگانه‌پرستی در سراسر عالم و اجرای همه حدود و احکام الهی به درست‌ترین شکل است که این درجه انتظار، ارزشمندترین مرتبه آن به شمار می‌رود. انتظار در حقیقت، اتصالی دائمی با واسطه وجود - یعنی عین الانسان - است که او نیز با منبع وجود اتصال دارد و انسانی که به دنبال صیورورت انسانی است برای نیل به مقام بندگی محض خدا، به خلیفه الهی متصل می‌شود و به مقام انتظار می‌رسد. این مرتبه از انتظار، یعنی درک اضطرار به وجود امام زمان علیه‌السلام و تحقق حکومت مهدوی است که انسان را از ظلمات خودخواهی به نورانیت توحید نایل می‌کند. این سیر عاطفی از خود انسان شروع می‌شود و به خود او بازمی‌گردد؛ اما در ابتدای راه، انسان خود جسمی است و درانتهای راه، خود الهی. بنابراین مقصود از خود دوستی، دوست داشتن من ملکوتی و علوی انسان است که سرچشمه گرایش‌ها و انگیزه‌های اصیل انسان به شمار می‌رود و شامل «حب بقا»، «حب کمال» و «حب لذت یا سعادت» می‌شود. هریک از این موارد نیز به منزله یک اصل، منشأ فعالیت‌های مختلف می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۴۲ - ۴۳). انسان در این حرکت از خودخواهی و خوددوستی محصور و محدود خود با توسعه بخشی به توانایی‌های عاطفی بالقوه خود وارد کثرت شده، به سوی وحدت سفر کرده و حقیقت وجود خود - یعنی «خود ربانی» خویش - را درمی‌یابد. اکنون که دید او از زاویه تنگ خودبینی به وسعت بینش الهی رسیده است، عشق به دیگران و عشق به طبیعت و موجودات ملکی و ملکوتی معنای دیگری می‌یابد. او اکنون خویشاوندان را مایملک خود نمی‌داند و برای ظواهر آنان دلسوزی نمی‌کند. انسان در این مرحله به چنان بصیرتی می‌رسد که با چشم جان، ملکوت عالم را می‌بیند و بین کمال خود و دیگران تراحمی

حس نمی‌کند. از این رو همچنان که برای خود طالب بالاترین درجات کمال است، برای دیگران به ویژه آحاد مؤمنان در اقصی نقاط عالم خواهان کمال می‌شود، به گونه‌ای که هرگاه می‌خواهد درودی به محضر مولای خویش ابلاغ نماید تمام مؤمنان را شریک قرار می‌دهد:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمُهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا
وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ

او می‌داند که ظهور امام زمان علیه السلام و تجلی اراده الهی در ظرف حیات دنیوی، انسان‌ها و موجودات دیگر را در مسیر سعادت و کمال و شکوفایی واقعی قرار می‌دهد. این جاست که برای نجات دیگران دست به ایثار و فداکاری می‌زند. حتی انواع گوناگون از ایثار و فداکاری که در طول تاریخ زندگی انسان مشاهده می‌شود، برگرفته از همین نیروی محرکه بنیادین - یعنی حب ذات - است. انسان گاهی فرزند یا دوستش را بر خود ترجیح می‌دهد و گاهی خویش را قربانی برخی ارزش‌ها و امور متعالی می‌کند؛ اما تا زمانی که نسبت به این امور احساس لذت نکند و تا آن هنگام که منفعتی بیشتر نبیند، هرگز به آن‌ها اقدام نمی‌کند (صدر، ۱۴۰۱: ۳۷). این احساس تا آن‌جا می‌تواند پیش رود که انسان از گمراهی افراد نیز به رنج بیفتد، همچنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه با نپذیرفتن دین از سوی مردم روبه رو می‌شد، چنان غصه آنان را می‌خورد که خداوند خطاب به ایشان می‌فرمود:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾؛ (کهف: ۶)

گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی، اگر به این گفتار ایمان نیاورند!

این موضوع درباره امام زمان علیه السلام نیز صادق است؛ آن حضرت در یکی از توقیعاتشان برای گروهی که درباره وجود آن حضرت به شک افتاده بودند چنین مرقوم فرمود:

به من خبر رسیده که جماعتی از شما، در امر دین به تردید افتاده و شک و سرگردانی درباره ولی امرشان پیش آمده است. این امر، ما را اندوهگین ساخت به خاطر شما، نه به خاطر ما، و برای شما ناراحت شدیم، نه برای خودمان؛ چون خدا با ماست و با وجود او نیازی به غیر او نداریم. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۷۸)

منتظر راستین امام نیز در تبعیت کامل از او چنین احساسی نسبت به مؤمنان و انسان‌ها و دیگر مخلوقات عالم پیدا می‌کند. بنابراین انسان وقتی وسعت دید پیدا کند، بهتر به مصالح و

منافع خود و دیگران پی می برد و در حقیقت، جنبه مطلوب حرص و هلع، فرد را به پا گذاشتن برای روی خواسته های مراتب دانی وامی دارد.

منتظری که برای تجلی اراده الهی انتظار می کشد و حتی چشم داشتی به پاداش مضاعف عبادت در دوران غیبت ندارد، کسی است که نه تنها از محدوده لذات طبیعی محض و حیات مادی عبور کرده، بلکه پا را از لذات معنوی و عقلانی و روحانی و بالاتر از آن، لذات حیات اخروی نیز فراتر گذاشته است. او در حقیقت در مرحله ای است که به شکوفایی ذات و هم نوایی با آهنگ کل هستی رسیده است. لذا اراده او در اراده امام خویش - که مظهر اسماء الهی است - فانی شده است؛ همچنان که در دعای عهد می خوانیم:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

برای این که انسان بتواند به این مرحله از خودشناسی و تکامل عاطفی برسد و واجد چنین مرتبه ای از انتظار گردد، لازم است چشم ملکوتی اش گشوده شود. انسان برای دیدن حقیقت خود باید فاصله ای مناسب از عالم اشیا و محسوسات و تعلقات اتخاذ کند و این فاصله همان عبور از غرایز و ارزش های دانی به سمت ارزش های متعالی است. بهترین راه نگرستن به ایده آل و آگاهی از کاستی ها و نارسایی ها و تلاش برای بهبود و ارتقا و اصلاح است؛ زیرا تنها با نظر به ایده آل است که می توان از کبودهای واقعی آگاه شد. مکتب تربیتی انتظار به بهترین وجه، این نیاز انسان را پاسخ داده است؛ چنان که اولاً با مطالعه در سیره امام زمان (ع) و دیگر ائمه هدی (ع) می توان تکلیف خود را شناخت؛ ثانیاً با توجه به روایات و دعا های مرتبط با انتظار یا صادره از سوی امام عصر (ع) راه درست زندگی و سیر در مسیر انتظار راستین را دریافت.

نتیجه

انسان ذاتاً موجودی خود دوست است و همه کارهای او بر اساس این عنصر خدایی صورت می گیرد. انتظار به عنوان افضل الاعمال از این قاعده مستثنی نیست. البته انتظار امری وجودی و همراه انسان است و غفلت، مانع بهره مندی او از نیروی عظیم انتظار برای ساختن زندگی فردی و اجتماعی می شود. تنها وظیفه انسان برای بهره مندی از مواهب انتظار، تلاش برای اشتداد و ارتقای انتظار است. مراتب انتظار با مراتب خودشناسی و خود دوستی همسو و هماهنگ است که در این جا بدان ها پرداخته می شود:

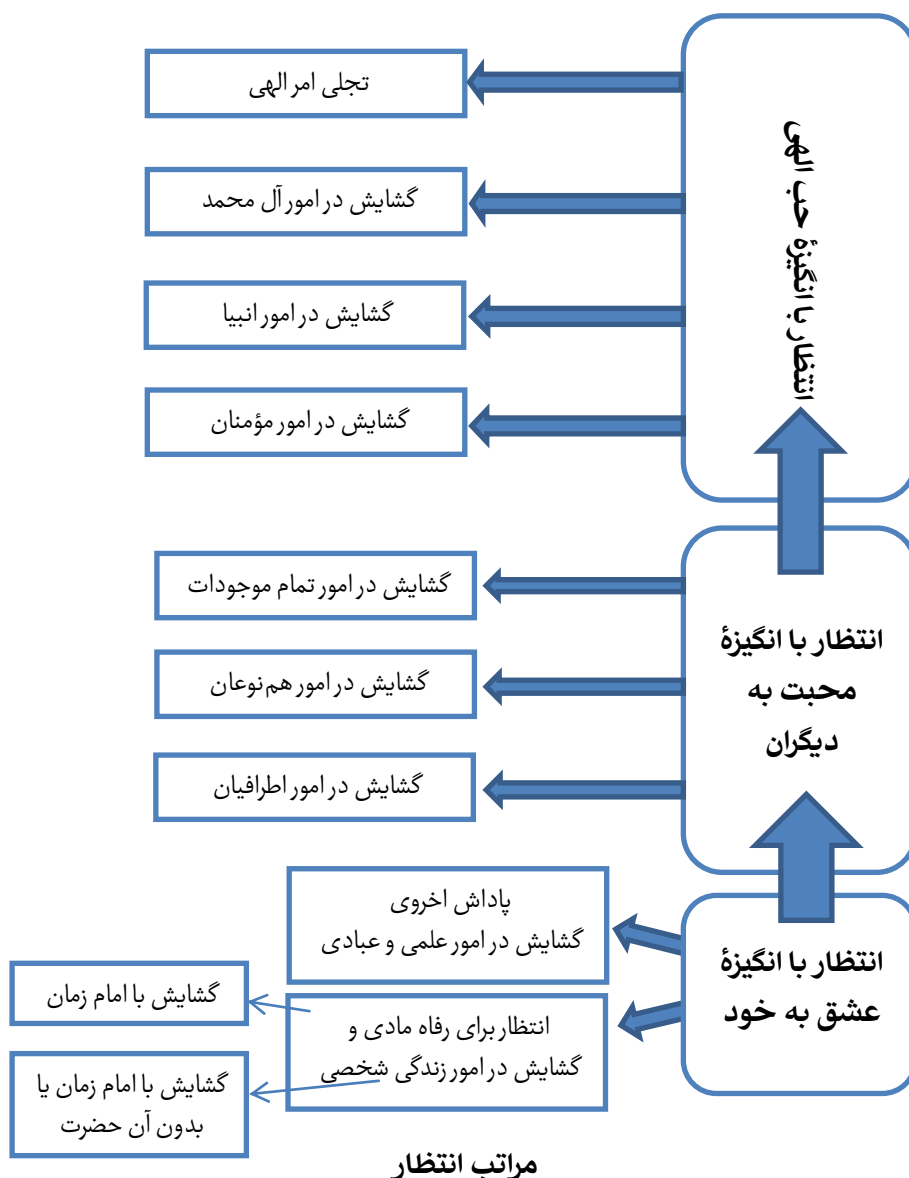
در پایین‌ترین مرتبه، حب ذات در مرحله حیات طبیعی و مادی محض قرار دارد که انتظار متناسب با آن، اشتیاق به ظهور برای رسیدن خود و بستگان به وفور نعمت و رفع شداید است. مرتبه بعدی حب ذات در مرحله حیات معقول قرار دارد که شامل لذات معنوی، عقلانی و روحی می‌شود. در این مسیر، انتظار برای گسترش علوم و معارف، تسهیل عبادت، آرامش روانی و... برای خود و دیگران است.

مرحله بعدی حب ذات بر اساس منافع اخروی است؛ یعنی آن‌چه انسان را به مسلک انتظار می‌کشاند رهایی از عذاب اخروی و برخورداری از نعمت‌های بهشتی است.

بالاترین مرتبه حب ذات، شکوفایی ذات و ورود به آهنگ کلی هستی است که میوه این حد از تکامل خودآگاهی و رشد عاطفی، انتظار برای تجلی اراده حق است. این مرتبه از انتظار، پرورش یافته و انتظاری همچون انتظار انسان کامل و رکن دین خداست که در بالاترین سطح از حب ذات تجلی پیدا می‌کند. اما نیل به این مرتبه از انتظار، امری است که به معرفت و عزم جدی نیاز دارد. به همین دلیل از انتظار به عنوان بهترین و از سویی سخت‌ترین اعمال یاد شده است. منتظر واقعی شخصیتی دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند؛ روشن‌اندیشی، اراده و عزم استوار و ظرافت احساسات و نشاط و تعالی درونی که نشانه عمق و دوام سیر روحی به سوی ارزش‌هاست.

انسان برای رسیدن به بالاترین درجه انتظار، لازم است خود را از غفلتی که او را در بند غیبت - یا همان یعنی گرفتاری در سطحی‌نگری و اشتغالات مادی و سهل‌انگاری‌ها - گرفتار کرده برهاند. انسانی که طالب چنین مرتبه‌ای از انتظار است، باید به بررسی لایه‌های درونی خود بپردازد و آلودگی‌ها و تعلقات روحی و درونی خود را بازشناسی و پالایش کند و نیز همواره ضمن امیدواری به اتصال و یگانگی با امام عصر، خوف جدایی از ولایت را داشته باشد. همچنین باید در بررسی لایه‌های زیرین اعتقاد درونی خود از هرگونه مسامحت و سهل‌انگاری بپرهیزد تا فراعنه پر مکر درون خود - اعم از حب جاه و مقام، ترس از قدرت‌های ظاهری، کینه، غضب، حسادت، شهوت پرستی و ... - را بازشناسی کرده و در رفع آن‌ها اقدام نماید تا چشم جان بصیر گردد و انسان بتواند از راه شهود، بصیرت و درون‌نگری، امام را درون خود بیابد. اندیشه و تمایل انسان، آن‌گاه به روشنایی معرفت و محبت امام رو می‌کند که او از آرزوهای محقر و دانی و گناه‌آلود روی برتابد و این نیازمند ممارست و مهارت است. لذا انسان در این مسیر - به‌ویژه در مرحله گذار از غرایز به ارزش‌ها - نیازمند مربی است و چنان‌چه بتواند از این

مرحله به سلامت عبور کند، برای سیر به ارزش های متعالی باید به خودسازی بپردازد. مراجعه به دعا های فرانیایشی - که وظایف منتظران را روشن می کنند - و عمل به مضامین آن ها توصیه می شود. تا وقتی ناپاکی ها و مبتذلات و حرام از مبادی ورودی انسان - اعم از دیدنی ها، شنیدنی ها و خوردنی ها - زدوده نشوند، افکار و امیال او به ملکوت و حقیقت ذات رجوع نخواهند کرد.



منابع

- ابن بابویه، علی بن حسین، *الامامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ق.
- ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی، *اخلاق*، ترجمه: علی منفرد نظری، قم، جلوه کمال، ۱۳۸۸ش
- جعفری، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *امام مهدی موجود موعود*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ش.
- شمشیری، بابک، *تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان*، تهران، طهوری، ۱۳۸۵ش.
- صدر، محمدباقر، *فلسفتنا*، قم، دارالکتب الاسلامی، چاپ دهم، ۱۴۰۱ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه: منصور پهلوان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *نهایه الحکمة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ش.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- فقیه ایمانی، محمدباقر، *شیوه‌های یاری قائم آل محمد علیه السلام*، قم، انتشارات عطر عترة، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، قم: انتشارات ام ابیها، ۱۳۶۹ش.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۷۷ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ش.
- میرزایی، فاطمه، *معرفت نور تا عصر ظهور*، قم، ارمان طوبی، ۱۳۸۷ش.
- هرنندی، محمد حسن بن ملا علی، *شرح دعای عهد*، به کوشش: حسین درگاهی، تهران، اهل قلم، ۱۳۷۴ش.